

# اهمیت سفارت‌نامه‌ی خوارزم

## در سنت سفرنامه‌نویسی عصر قاجار

### ● عباس بناهی

عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی تنکابن

اوضاع جغرافیایی، راه‌ها، رودخانه‌ها، فاصله‌ی شهرها و... داشتند. گزارش‌های آنان بعدها مبنای سیاست‌های استعماری دولت‌های اروپایی در برابر سایر ملت‌ها شد. نیروهای نظامی این دولت‌ها براساس گزارش‌های سیاحان خود، نحوه‌ی تصرف مناطق موردنظر را بررسی می‌کردند.

نخستین سفرنامه‌ای که آگاهی دقیق و علمی از سرزمین‌های شرقی (ایران) در اختیار اروپاییان قرار داد، سفرنامه‌ی کلاویخوی اسپانیایی است. کلاویخو در سال ۸۰۶ هـ ق یک سال پس از نبرد آنقره (بین تیمور و بایزید اول) از سوی پادشاه اسپانیا مأموریت یافت تا به ایران سفر کند و مشاهده کند که بین تیمور و بایزید کدام یک نیرومندتر است تا با وی علیه رقیب وی متحد شود و روابط سیاسی برقرار کند. در حالی که پس از رسیدن کلاویخو به آنتولی، بایزید به اسارت درآمده و تیمور فاتح آسیا شده بود. بنابراین سفرنامه‌ی کلاویخو را می‌توان از نخستین گزارش‌های سیاسی دانست که از سوی اروپاییان نگاشته شد. کلاویخو در مسیر مسافرت خود از آنتولی به ایران تا سمرقند و بازگشت خود از ایران به اسپانیا، شرح ارزنده‌ای درباره‌ی شهرها، اوضاع جغرافیایی و اقتصادی ارائه می‌دهد، به طوری که سفرنامه‌ی وی مبنای سفرنامه‌نویسی اروپاییان به ایران شد. اهمیت سفرنامه‌ی وی زمانی آشکار می‌شود که این سفرنامه پس از اختراع صنعت چاپ بارها در اروپا به چاپ رسید و ماجراجویان اروپایی در عصر صفویه، بر اساس گزارش‌های اقتصادی و جغرافیایی وی، توانستند به ایران راه یابند و به تجارت بپردازند.<sup>۱</sup> بر اساس انگیزه‌های فوق، در عصر صفوی نیز اروپاییان به ایران وارد شدند، در این دوره به دلیل ویژگی‌های سیاسی حکومت صفوی و تقابل آن‌ها در برابر عثمانی‌ها، ورود تعداد زیادی از سیاحان به ایران حائز اهمیت است. دولت‌های اروپایی با انگیزه‌ی اتحاد با شاهان صفوی علیه عثمانی، مأموران خود را به دربار صفوی می‌فرستادند.<sup>۲</sup> علاوه بر مأموریت‌های سیاسی وظیفه‌ی دیگر آن‌ها ایجاد روابط بازرگانی با دولت صفویه بود. مأموران و نمایندگان اروپایی، علاوه بر گزارش مأموریت خود، اطلاعات منحصر به فردی درباره‌ی اوضاع جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی ایران ارائه می‌کردند و این گزارش‌ها بعدها کمک‌بسیاری به پیش‌برد مقاصد سیاسی دولت‌های اروپایی در عصر قاجار کرد. در اواخر عصر صفوی، روسیه‌ی تزاری نیز به جمع دولت‌های استعماری



■ سفارت‌نامه‌ی خوارزم

■ تألیف: رضاقلی خان هدایت

■ نشر میراث مکتوب

■ تهران، چاپ اول ۱۳۸۵، ۳۷۸ صفحه

### مقدمه

یکی از منابع و مآخذ مهم تاریخ‌نگاری، سفرنامه‌ها و سیاحت‌نامه‌ها است. سفرنامه‌ها به جهت این که از نظر محتوایی به موضوعاتی صرفاً سیاسی نمی‌پردازند، از اهمیت و ارزش زیادی برخوردارند. زیرا نویسندگان سفرنامه‌ها به جهت موقعیت اجتماعی و سیاسی و مشاغلی که داشتند به موضوعات مورد توجه خود اهمیت بیشتری می‌دادند، بنابراین اغلب این آثار آگاهی‌های زیادی درباره‌ی اوضاع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری ضبط و ثبت می‌کردند. البته برخی از سیاحان به جهت مأموریت‌های سیاسی‌ای که داشتند، برای اهداف بلندمدت کشور متبوع خویش دقت زیادی در بررسی اوضاع جغرافیایی سرزمین‌های مورد مأموریت خود می‌کردند. این سیاحان که بهتر است از آن‌ها با عنوان مأموران سیاسی نام برده شود، بررسی دقیقی درباره‌ی

### نویسندگان سفرنامه‌ها به جهت موقعیت اجتماعی و سیاسی و مشاغلی که داشتند به موضوعات مورد توجه خود اهمیت بیشتری می‌دادند و آگاهی‌های زیادی درباره‌ی اوضاع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری ضبط و ثبت می‌کردند

دستگاه دیوانی حکومت قاجار فراهم کرد.<sup>۴</sup>

اسماعیل کمال توانست نفوذ زیادی در دربار آقا محمد خان و فتحعلی خان قاجار پیدا کند. در سال ۱۲۱۵ هـ ق فرزند وی در تهران به دنیا آمد، اما از آن جایی که وی در مشهد به سر می‌برد، نام فرزند را به میمنت نام اما رضاع (رضاع) رضا قلی نهاد. پس از درگذشت اسماعیل کمال در سال ۱۲۱۸ هـ ق رضا قلی خان که سن کمی داشت، تحت مراقبت اقوام خویش قرار گرفت. پس از سپری شدن ایامی، رضا قلی خان برای کسب دانش در فارس زیر نظر دانشمند برجسته به نام محمد مهدی خان شحنه قرار گرفت، پس از پایان تحصیل و کسب معرفت به حاکم فارس، حسینعلی میرزا و برادرش حسنعلی میرزا پوست. رضا قلی خان در سال ۱۲۴۵ هـ ق، پس از سفری که ناصرالدین‌شاه به فارس داشت، به وی معرفی شد. رضا قلی خان با سرودن قصیده‌های شاه را مدح گفت و با اشعار خود تحسین شاه و اطرافیان وی را برانگیخت. وی در فن شعر استاد بود و تخلص «چاکر» داشت، اما بعدها تخلص «هدایت» را برای خود برگزید. وی به سرعت مورد توجه شاه واقع شد و فتحعلی شاه عنوان «امیر الشعراء» را به وی اعطا کرد و از او دعوت کرد تا همراه شاه به تهران برود، اما رضا قلی خان به جهت بیماری نتوانست با شاه به پایتخت مسافرت کند، در اوایل حکومت محمد شاه، عموهایش حسنعلی میرزا و حسینعلی میرزا سر به شورش برداشتند، اما بلافاصله سرکوب و به تهران فرستاده شدند. رضا قلی خان پس از این ماجرا، ابتدا در خدمت فیروز میرزا و سپس فریدون میرزا قرار گرفت. در سال ۱۲۵۴ هـ ق رضا قلی خان برای انجام کارهایی به تهران مسافرت کرد، در این سفر مورد توجه حاجی میرزای آقاسی و سپس محمد شاه قاجار واقع شد. شاه پس از آگاهی از دانش و سوادش به وی فرمان داد تا به تعلیم و تربیت فرزندش عباس میرزا نایب السلطنه (ملک آرا) بپردازد. محمد شاه برای راضی کردن وی، درآمد برخی از املاکش را به او واگذار کرد

پیوسته بود. گزارش‌های سیاسی و لنیسیکی و گیلاتنز نقش زیادی در تعیین سیاست‌های روسیه تزاری جهت تصرف قفقاز و گیلان پس از هجوم افغان‌ها به ایران داشت.<sup>۳</sup> تقریباً تا عصر فتحعلی‌شاه، در دوره‌ی قاجار مأموران و سفیران ایرانی که به دربار دولت‌های اروپایی و یا کشورهای همسایه رفت‌وآمد داشتند، به تدوین چنین آثاری اهتمام نورزیدند، اما پس از آشنایی با اروپاییان و مطالعه‌ی سفرنامه‌های آن‌ها و همچنین نقش این گزارش‌ها در تعیین سیاست‌های دولت‌های اروپایی به اهمیت این آثار پی بردند و به تألیف و تدوین گزارش‌های سیاسی و اجتماعی خود پرداختند. می‌توان نخستین گزارش و سفرنامه‌ای که تأثیر زیادی بر حیات روشنفکری جامعه‌ی ایران گذاشت و سرمشق سفرنامه‌نویسی ایرانیان شد، سفرنامه‌ی میرزا ابوالحسن خان شیرازی تحت عنوان «حیرت‌نامه» دانست، اما سفرنامه‌ی وی صرفاً گزارشی از اوضاع اجتماعی و رونق و توسعه‌ی جامعه‌ی غرب بود. بعدها برخی از نویسندگان و کارگزاران آگاه دستگاه اداری قاجار، در مأموریت‌های سیاسی به نکاتی می‌پرداختند که در جهت توسعه‌ی دستگاه دیپلماسی و آگاهی آن مؤثر بود. از جمله این آثار ارزشمند می‌توان از *سفرنامه‌ی خوارزم اثر رضاقلی خان هدایت* نام برد.

رضاقلی خان از مورخان بزرگ عصر ناصری و تربیت‌شده‌ی دستگاه امیرکبیر بود. بنابراین امیر کبیر با شناخت و آگاهی از استعداد وی، از هوش و توانایی او در جهت اعتلای دستگاه اداری حاکمیت بهره برد و به منظور بررسی دقیق سرزمین خوارزم، رضاقلی خان را به عنوان نماینده‌ی دولت ایران به نزد ترکمانان فرستاد. اما هدف امیر از این مأموریت، شناخت دقیق اوضاع جغرافیایی و سیاسی این سرزمین جهت برنامه‌های آینده‌ی حکومت قاجار بود. با توجه به این که اهمیت هر اثری در علم تاریخ بستگی به میزان دانش مؤلف آن اثر دارد، نقش مؤلف می‌تواند تأثیر زیادی در شکل‌گیری اثر تاریخی داشته باشد. هرچند رضاقلی خان هدایت در تألیف‌های خود از روش نوینی بهره نبرد، اما کثرت تألیفات وی نقش زیادی در شناخت جامعه‌ی عصر قاجار دارد. بنابراین در زمینه‌ی تاریخ‌نگاری عصر قاجار، وی در زمره‌ی دانشمندان برجسته‌ی این علم به شمار می‌آید.

رضاقلی خان بن محمد هادی هدایت (۱۲۸۸-۱۲۱۵ هـ ق) در اصل به خاندانی تعلق داشت که در ماوراءالنهر می‌زیستند. در اواخر قرن هشتم هـ ق به تبریز مهاجرت کردند و اقباشان در این شهر ساکن شدند. خاندان رضا قلی خان در عصر زندیه وارد امور سیاسی شدند، اما از بخت نامساعد، اسماعیل کمال جد اعلا رضاقلی خان توسط زکی خان زند کشته می‌شود. بعدها فرزند اسماعیل کمال به نام محمد هادی به آقا محمد خان قاجار پیوست و زمینه قدرت‌گیری خاندان خود را در

## مأموران و نمایندگان اروپایی، علاوه بر گزارش مأموریت خود، اطلاعات منحصر به فردی درباره‌ی اوضاع جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی ایران ارائه می‌کردند و این گزارش‌ها بعدها کمک‌بسیاری به پیش‌برد مقاصد سیاسی دولت‌های اروپایی در عصر قاجار کرد



تا در جهت تربیت فرزندش تلاش کند.

پس از درگذشت محمد شاه در سال ۱۲۶۴ هـ.ق رضا قلی خان در خدمت عباس میرزا بود، تا این که در سال ۱۲۶۷ هـ.ق از سوی امیرکبیر در رأس هیأت سفارت ایرانی به خوارزم فرستاده شد. رضا قلی خان به جهت دانشی که داشت به خوبی توانست از انجام این مأموریت برآید و گزارش دقیقی در قالب سفرنامه به دستگاه حکومت ارائه داد، اما به قول مخبرالسلطنه هدایت پس از بازگشت رضا قلی خان که مصادف با قتل امیرکبیر بود، کسی از رضا قلی خان نپرسید کجا رفتی؟ چه کردی؟ کی آمدی؟

رضا قلی خان پس از انجام این مأموریت و بازگشت به ایران، به معاونت مدرسه‌ی تازه تأسیس دارالفنون منصوب شد. وی مدت پانزده سال در این سمت باقی‌ماند و پس از آن به دستور ناصرالدین شاه به تعلیم شاهزاده مظفرالدین شاه در تبریز پرداخت. پس از سپری شدن چند سال، رضا قلی خان به دلیل بیماری از مشاغل دولتی کناره گرفت و در سال ۱۲۸۸ هـ.ق درگذشت. رضا قلی خان علاوه بر سفرنامه‌ی فوق، آثار زیادی تدوین و تألیف کرده است. از جمله این آثار می‌توان به *بحرالحقایق*، *منهج الهدایه یا هدایت‌نامه*، *انوار الولا یه*، *مفتاح الکنوز*، *مدارج البلاغه*، *گلستان ارم یا بکتاش‌نامه* و آثار تاریخی تحت عنوان *فهرس التواریخ*، *اجمل التواریخ* و *روضه الصفای ناصری*، که ادامه‌ی *روضه الصفای میرخواند* در عصر صفوی است، اشاره کرد. این اثر تاریخی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است زیرا مورخ علاوه بر شرح حوادث و رویدادها، توجه ویژه‌ای نسبت به اوضاع جغرافیایی، ادبی و فرهنگی داشته است. از آثار دیگر و مهم مورخ، *ریاض العارفین* و *مجمع الصفا* است. *مجمع الصفا* به جهت محتوای آن یکی از آثار مهم رضا قلی خان و عصر وی محسوب می‌شود. زیرا مورخ با زبان ساده خطوط عمده‌ی شعر و زبان فارسی را پس از اسلام شرح و توصیف کرده است. آخرین اثری که رضا قلی خان در تألیف آن توجه ویژه‌ای داشت، فرهنگ انجمن آرا یا فرهنگ ناصری بوده است. این اثر نیز در نوع خود قابل تأمل و شایسته است.<sup>۶</sup>

### علل تدوین سفرنامه

شکست‌های متوالی حکومت قاجار در شمال غربی ایران در برابر روس‌ها و تحمیل دو معاهده‌ی ننگین، اساس حاکمیت قاجار را متزلزل کرد. معاهده‌ی ترکمانچای علاوه بر ایجاد نفوذ روسیه، زمینه‌ی نفوذ انگلیس را در ایران به وجود آورد. بنابراین سیاست استعماری روسیه و انگلیس در کمتر از نیم قرن موجب جدایی افغانستان و بلوچستان شرقی را از ایران فراهم آورد. روس‌ها نیز برای نزدیکی به هند و سرزمین‌های مستعمراتی انگلستان، راهزنی و غارت‌های قبایل ترکمن در ماوراءالنهر را بهانه کردند و به صورت خزنده، اندک اندک بخش‌های بزرگی از سرزمین‌های ماوراءالنهر را تصرف کردند و با فتح سمرقند، بخارا و مرو خود را به اترک رساندند، پس از مرگ امیرکبیر، روس‌ها توانستند به موجب عهدنامه‌ی آخال رسماً سرزمین‌های تصرف شده را ضمیمه‌ی قلمرو روسیه تزاری کنند.<sup>۷</sup>

زمینه‌های سفر سیاسی رضا قلی خان به خوارزم از عصر محمد شاه فراهم شده بود. محمد شاه پس از ناکامی‌های سیاسی در برابر انگلیسی‌ها، هادر ماجرای تصرف هرات، عملاً توجهی به اوضاع کشور نداشت بنابراین ترکمانان شیبانی که از عصر صفویه قدرتی در ماوراءالنهر پیدا کرده بودند، در این زمان به جهت ضعف حکومت قاجار پیوسته به شهرها و مناطق آباد خراسان حمله می‌کردند و با به اسارت درآوردن مردم این سامان، آن‌ها را به عنوان برده در بازارهای خیوه، بخارا و سمرقند به فروش می‌رساندند. عامل مهمی که انگیزه‌ی غارت‌های آنها را تشدید می‌کرد، حمایت علمای سنی مذهب ماوراءالنهر بود که به این غارت‌ها جنبه‌ی مذهبی می‌دادند. در اواخر حکومت محمد شاه، روند هجوم ترکمانان به خراسان افزایش یافت به طوری که زندگی برای مردم آن سامان بسیار سخت شد. اندکی پیش از مرگ محمد شاه، عده‌ای از ترکمانان سرخس، عده‌ای از زوار مکه مکرمه را اسیر و غارت کردند و در راه بازگشت به سرخس به محمد ولی خان قاجار، برادر زاده‌ی **اللهیار خان آصف‌الدوله** که در حین شکار بود، برخورد و او را اسیر کردند. تلاش‌های حکومت قاجار به منظور آزادی محمد ولی خان نتیجه‌ای برای آزادی وی نداشت، اما پس از مرگ خان خوارزم جانشین وی محمد امین خان، برای رفع تشنج و کدورت با حکومت



## یکی از مأموریت‌های هدایت، گزارش دقیق راه‌ها، شهرها و مکان‌های جغرافیایی از مرزهای ایران تا خوارزم بود. زیرا قرن‌ها بود که گزارشی از اوضاع جغرافیایی و سیاسی ماوراءالنهر توسط نویسندگان ایرانی نشده بود

بااطلاع باشد و هر چه سؤال شود، از روی بصیرت و آگاهی معروض دارد.<sup>۱۰</sup>»

با توجه به فرمان امیر، می‌توان مقصود دقیق وی را از انجام این مأموریت دریافت. به ویژه انتخاب رضا قلی خان هدایت که فردی آگاه و دانشمند در اوضاع تاریخی و جغرافیایی بود، به گفته مصحح سفرنامه، امیر در این فرمان که حکم دستورالعمل را برای رضا قلی خان دارد، به خوبی وظایف او را در این سفر در سه موضوع مشخص بیان می‌کند: ۱- مذاکره برای آزادی اسرای ایرانی در خوارزم ۲- شناسایی مسیر رفت و بازگشت به خوارزم و بررسی دقیق اوضاع جغرافیایی ۳- بررسی و شناخت ایلات و رؤسای آن‌ها و ریش سپیدان قبایل.<sup>۱۱</sup>

دستیابی به هدف اول بسیار واضح و مشخص بود، زیرا حکومت قاجار با ابزارهای مختلف می‌توانست با راضی کردن خان خیره آن‌ها را آزاد کند. اما اهداف دوم و سوم از اهمیت زیادی برخوردار بود. زیرا راهزنان و جنگ‌جویان ماوراءالنهر با هدایت مذهبی و معنوی علمای سنی مذهب آن سامان دست به غارت مناطق مرزی ایران می‌زدند و به اقدامات خود جنبه‌ی دینی و مذهبی می‌بخشیدند. بنابراین در صورت آزادی این دسته از ایرانیان، چنین حرکت‌هایی به پایان نمی‌رسید و در آینده ادامه می‌یافت. بنابراین برای پایان بخشیدن به این تحركات، حکومت قاجار می‌بایست روابط نزدیکی با سران ایلات و ریش‌سپیدان آن سامان برقرار می‌کرد. از سوی دیگر، با بررسی دقیق اوضاع جغرافیایی خوارزم این امکان را در اختیار حکومت قرار می‌داد تا در صورت عدم امکان صلح و سازش با ترکمانان به سرکوب آن‌ها دست زند.

رضا قلی خان برای عملی کردن خواسته‌های امیر به انجام دقیق مأموریت برآمد، اما بازگشت وی به ایران با واقعه‌ی عزل امیر مصادف بود. امیر اهتمام زیادی در انجام این مأموریت داشت و به هدایت گفته بود: «نیکو برو و دانا بازگرد و زمان سفارت زیاده از سه ماه نباید که همت بلند ما را نعمتی عظیم در نظر و صورت کاری بزرگ در مرآت خاطر شاهنشاه جلوه‌گر است»<sup>۱۲</sup>.

در حالی که امیر از انجام و اجرای مأموریت و ارزش آن آگاه بود،

قاجار، محمد ولی خان را به همراه هیأتی به تهران فرستاد. محمد شاه نیز برای جلب‌نظر خان جدید خیره هیأتی به رسم تعزیت به سفارت خوارزم فرستاد.<sup>۱۳</sup>

اما پس از درگذشت محمد شاه و جانشینی ناصرالدین شاه، خان خیره اقدامی جهت اعلام تهنیت به ناصرالدین شاه انجام نداد. علل تعلق و غفلت خان خیره، وقایع خراسان و شورش سالار بود.<sup>۱۴</sup> خان خیره منتظر نتیجه‌ی شورش سالار نشست. اما پس از سرکوب شورش، خان خیره یکی از نزدیکان خود را به نام آتانیاز به ایران فرستاد. مأموریت این سفیر چندان با موفقیت همراه نبود. زیرا اقدامات خان خیره در هنگام شورش سالار نارضایتی حکومت قاجار را از خان خیره فراهم کرد. بنابراین امیر کبیر برای بررسی اوضاع خوارزم و چگونگی برخورد با این حاکمیت خان‌نشین، در صدد برآمد تا سفیری آگاه و دانشمند به خوارزم اعزام کند. امیر در فرمان خود جهت مأموریت رضا قلی خان هدف از مأموریت وی را چنین می‌نویسد: «... منظور و مضمون از مأموریت آن عالیجاه برای اطلاق اسرای مسلمانان و منع آن‌ها از بیع و شرای بندگان خداست که می‌یابد کمال جد و جهد در این باب به عمل آورد و هر قدر بتواند مسترد ساخته با خود بیاورد...».

بنابراین بخش اول مأموریت هدایت، آزادی اسرای ایرانی از دست ترکمانان بود، اما بخش مهم و دیگر مأموریت سفیر، گزارش دقیق راه‌ها، شهرها و مکان‌های جغرافیایی از مرزهای ایران تا خوارزم بود. زیرا قرن‌ها بود که گزارشی از اوضاع جغرافیایی و سیاسی ماوراءالنهر توسط نویسندگان ایرانی نشده بود. بنابراین منظور امیر از چنین دستوری، مهیا شدن نبرد با ترکمانان و کوتاه کردن دست آن‌ها از تجاوز به ایران بود.

بنابراین در ادامه فرمان به هدایت اشاره می‌کند «...و آن عالیجاه می‌باید زیاده از یک ماه خیوق معطل نشود و مراقب مسطوره را حالی کرده خدمات خود را انجام داده اسرا را مطلق العنان ساخته با خود بیاورد، و نیز مأمور ساخت که روزنامه‌جات از روز مأموریت الی معاودت و شرفیابی آستان مهر لعمان را مفصلاً نوشته با شرح و بسط تمام از وقایع اتفاقیه و اسامی منازل و تعیین فراسخ و اسامی ایلات و سرکردگان و ریش‌سپیدان آن‌ها را کاملاً نوشته با خود بیاورد که آن عالیجاه از عموم آن

## ترکمانان پیوسته به غارت مردم خراسان دست می‌زدند. امیرکبیر در این عصر تنها مقام اداری حکومتی عصر قاجار بود که خواهان پایان بخشیدن به راهزنی ترکمانان به ایران بود

پس از فتوحات اولیه‌ی چنگیز، وی خوارزم را در اختیار پسر خود جوجی قرار داد. پس از سقوط ایلیخانان و تیموریان در ایران، ازبکان در ماوراءالنهر قدرت یافتند. بنابراین سرزمین‌های شمال خراسان در اختیار آن‌ها قرار گرفت، با افول ازبکان در ماوراءالنهر، شاخه‌ای از آن‌ها به نام شیبانیان در عصر صفوی رقیب این حکومت در ماوراءالنهر و خوارزم بودند. شیبانیان در عصر صفویه، افشاریه و زندیه هر زمان که فرصت و قدرتی می‌یافتند، مرزهای خراسان را مورد تاخت و تاز خود قرار می‌دادند، به دلیل سرکوب‌هایی که صفویان و نادر شاه افشار علیه آنها انجام داده بودند، آن‌ها قدرت مقابله‌جویی و برابری با سپاهیان ایرانی را در خود نمی‌دیدند. بنابراین به راهزنی و غارت شهرهای خراسان می‌پرداختند. از نظر مذهبی به دلیل فتوای علمای سنی علیه شیعیان، این اقدامات آن‌ها از پشتوانه‌ای مذهبی نیز برخوردار بود.<sup>۴</sup>

پس از دستیابی خاندان قاجار بر تخت سلطنت ایران، هجوم‌های ترکمانان به خراسان شدت یافت، زیرا شکست‌های نظامی ایران در برابر روس‌ها، توانایی نظامی حاکمیت قاجار را به تحلیل کشاند و موجب گشت تا ترکمانان پیوسته به غارت مردم خراسان دست زنند. امیرکبیر در این عصر تنها مقام اداری حکومتی عصر قاجار بود که خواهان پایان بخشیدن به راهزنی ترکمانان به ایران بود.

بی‌خبری و ناآگاهی کارگزاران حکومت از این مسأله موجب شد تا روسیه بعدها به بهانه‌ی راهزنی ترکمانان ماوراءالنهر، اندک اندک خود را به مرزهای ایران نزدیک کند و بخش وسیعی از سرزمین‌های ایران را در ماوراءالنهر را تصرف کند و علاوه بر تصرف خوارزم مرزهای خود را تا اترک گسترش دهد.

### بررسی متن کتاب

سفارت‌نامه‌ی خوارزم در سال ۱۲۶۸ هـ ق تدوین شد و در سال ۱۲۹۲ هـ ق/۱۸۷۵ م. شارل شفر فرانسوی با استفاده از دو نسخه‌ی خطی که در اختیارش بود، به چاپ آن اقدام کرد و تعلیقات و حواشی

اما اولیای دولت ایران پس از وی هیچ ارزشی برای این کار بزرگ که حاصل آن «سفارت‌نامه‌ی خوارزم» بود قائل نبودند. بنابراین به دستور میرزا آقا خان نوری تتمه‌ای بر مذمت امیرکبیر بر آن افزوده شد که زینت‌بخش کتاب‌خانه‌ی سلطنتی باشد و هدایت هم‌علی‌رغم میل باطنی، با همه‌ی حرمتی که برای امیر قائل بود، مذمت‌نامه‌ی برای امیرکبیر و مدح و ثنای صدراعظم جدید بر ذیل سفرنامه اضافه کرد. پس از این جریان، سفرنامه‌ی خوارزم وارد انبوه کتاب‌خانه‌ی سلطنتی شد و کسی تا مدت‌های طولانی به ارزش این اثر پی نبرد، زیرا اگر کسی در آن دوران به مطالعه سفرنامه مذکور می‌پرداخت به اهداف بلند امیر و رضا قلی خان پی می‌برد.<sup>۵</sup>

### خوارزم

خوارزم سرزمینی آباد بود که از سمت شمال به دشت قبیچاق و از جنوب با خراسان، از سمت شرق به بیابان‌های قزل قوم و باتاق قوم و از سمت غرب به قراقوم و گرگان محدود می‌شد. این سرزمین آبادانی و ثروت خود را مرهون رود جیحون و رودهایی بود که به این سرزمین وارد می‌شدند، این رود علاوه بر ایجاد کشاورزی و نعمت به عنوان یک ابزار دفاعی در برابر مهاجمان نیز شمرده می‌شد، زیرا مردم خوارزم پس از آگاهی از ورود دشمن به سرزمین خود، این رودها را سد کرده و خوارزم تبدیل به دریاچه‌ای از گل می‌شد، بنابراین سپاه دشمن به این صورت از دست زدن به هر اقدامی فرو می‌ماند.<sup>۶</sup>

به گزارش هردوت ایالت خوارزم در عصر شاهنشاهی هخامنشی جزو ساتراپی شانزدهم ایران بوده است. از این زمان به بعد، خوارزم همواره به عنوان یکی از ایالات مهم شرقی دولت‌های ایرانی پیش از اسلام تبدیل شد. بنابراین فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی در مناطق مختلف خوارزم رواج یافت، با این حال از نظر سیاسی، خوارزم حاکمانی تحت عنوان خوارزمشاه داشت و به نوعی از استقلال داخلی برخوردار بود. استقلال داخلی خوارزم پس از ورود اسلام به ایران و ماوراءالنهر ادامه یافت، حکومت‌های متعددی که پس از اسلام قدرت را در ایران به دست گرفتند، به حاکمان خود در خوارزم، خوارزمشاه می‌گفتند. پایتخت این ایالت تا سال ۳۸۵ هـ ق شهر چاچ (شاش یا کاش) بود، که گاهی خوارزم نیز خوانده می‌شد، اما به جهت طغیان‌های مداوم جیحون، حاکم خوارزم ابوالعباس مأمون پایتخت خود را به گرگانج یا جرجانیه منتقل کرد. این شهر در دوره‌های بعد تبدیل به یکی از شهرهای بزرگ ماوراءالنهر و ایران گشت.<sup>۷</sup> هجوم مغولان به ماوراءالنهر و ایران لطامات جبران‌ناپذیری بر پیکر خوارزم وارد ساخت در حالی در عصر خاندان خوارزمشاهی، خوارزم به منتهای اوج و عظمت خود رسیده بود.

ارزشمندی بر آن افزود. البته نسخه‌ای خطی از سفارت‌نامه خوارزم در کتابخانه‌ی کاخ گلستان موجود است که تاریخ سال‌های ۱۲۸۲ و ۱۳۲۲ هـ.ق بر روی آن است و مشخص است که نسخه‌ی مورد نظر برای ناصرالدین شاه کتابت شده است.<sup>۷</sup>

تصحیح سفرنامه توسط جمشیدکیانفر صورت گرفته است. مصحح علاوه بر تصحیح فنی سفرنامه، مقدمه‌ای مفصل درباره‌ی چگونگی تدوین سفرنامه، زندگی‌نامه نخستین مصحح (شارل شافر) و اوضاع جغرافیایی و تاریخی خوارزم نوشته که در مجموع بر غنای اثر افزوده و در نوع خود شایسته تقدیر است.

متن سفرنامه با قطعه شعری در ستایش یزدان آغاز می‌شود. هدایت در صفحات مختلف سفرنامه، بنابر شرایط زمانی و جغرافیایی، به شیوه‌ی جغرافی‌نگاران و مؤلفان پیش از خود، از اشعار به عنوان چاشنی گفتار استفاده می‌کند. البته اغلب اشعار به کار رفته در سفارت‌نامه خوارزم سروده‌ی اوست، اما برخی از اشعار سده‌ی به عاریت گرفته شده است. هدایت پس از حمد و ستایش خداوند، در نعت پیامبر و ائمه‌ی معصومین نیز اشعاری سروده، سپس به مدح ناصرالدین شاه و علل انجام این مأموریت پرداخته است. رضا قلی خان آغاز گزارش خود را با مسافرت سفیر محمّدامین خان - آتانایز - شروع کرده است و درباره‌ی مأموریت وی که به دربار ناصرالدین شاه منظور تهنیت شاه جدید آمده بود، بنابرین شاه و صدراعظم - امیرکبیر - رضا قلی خان را در پاسخ به سفارت محمّد امین خان به خوارزم فرستادند.

شیهوی گزارش رضا قلی خان در این اثر، گزارش روزانه از وقایع پیش آمده و شرح مشاهدات وی است. رضا قلی خان در برخورد با پدیده‌های جغرافیایی که شامل کوه‌ها، دره‌ها، رودخانه‌ها و سایر عوامل طبیعی بود به دستور امیرکبیر با دقت زیادی برخورد کرده است. وی وظیفه داشت با بررسی دقیق اوضاع جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زمینه‌ی نفوذ آینده‌ی حکومت قاجار را در ماوراءالنهر و به

هدایت علاوه بر شرح اوضاع جغرافیایی به تناسب موضوعات تاریخی، گاهی به روابط بین حکومت‌های ایران و روسیه از عصر صفوی تا عهد مؤلف (ناصری) اشاره‌های پراکنده‌ای دارد. به جهت احاطه‌ی وی بر دانش تاریخ، برخی از رویدادهای دولت‌های مذکور را در گزارش سیاسی خود آورده است. به عنوان مثال، چگونگی نفوذ روسیه در ایران، وی عامل این نفوذ را هجوم افغان‌ها و ضعف حکومت صفوی و هرج و مرج‌های ناشی از آن می‌داند.<sup>۸</sup>

رضا قلی خان پس از عبور از رود گرگان، وارد سرزمین ترکمنان می‌شود. وی از هر نقطه و محلی که عبور می‌کرد، نام منطقه و ناحیه‌ی مزبور را یادداشت می‌کرد و در صورت عدم آگاهی از نام آبادی، از مردم ساکن آن سامان درباره‌ی وضعیت و شرایط آن منطقه اطلاعاتی به دست می‌آورد.

نکته‌ی مهمی که در بین گزارش‌های وی به چشم می‌خورد، توضیحات پراکنده و سودمندی درباره‌ی برخی حوادث و وقایع تاریخی است. پیش از رضا قلی خان، مورخان و جغرافی‌نگاران ایرانی دقت و تأمل وی را درباره‌ی اوضاع جغرافیایی نداشته‌اند. از جمله‌ی این موضوعات تفکیک منشأ و خاستگاه امیران بخارا و خوارزم است. هدایت برای آگاهی دقیق خواننده، شرح جامعی از جنگ‌های مداوم خان بخارا و سمرقند ارائه می‌دهد که مصحح این بخش از گزارش‌های وی را، گزارش‌های تحقیقی می‌نامد. از جمله می‌نویسد:

«... اگرچه امیر بخارا و خان خیوق هر دو از دودهی امرای ازبکند و در اصل آباء و اجداد یکی‌اند، اما فی‌مابین غبار نفاق مرتفع است و رشته‌ی وفاقی منقطع. امیر بخارا خان خیوه را و اهل خوارزم را ترک نداند و تات خواند، و خان خیوه اهالی بخارا را تازی یک نامد و رعایای ولایت خود را بخارا نام کرده یعنی بخارایی رعیت من است و قالب اوقات در میان‌هی ولایت و امرای خیوه و بخارا منازعه و مخاصمه و مقابله و مقاتله روی داده»<sup>۹</sup>.

پس از حضور رضا قلی خان نزد محمّد امین خان، حاکم خوارزم - خوارزمشاه - مسیر بحث و گفت‌وگو را با وی به مباحث مذهبی کشاند و با این کار قصد داشت سفیر ایران را محکوم و مقهور کند، اما رضا

از جمله موضوعاتی که هدایت در سفرنامه خود علاوه بر اوضاع جغرافیایی بحث کرده است، توجه ویژه به آداب و رسوم، مذهب، اوضاع اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی بوده است

قلی خان یادآوری می‌کند که وی نماینده‌ی سیاسی دولت قاجار است و مباحث مذهبی و اختلافات مربوط به مسائل دینی باید بین علمای مذهب سنی و تشیع رفع و بررسی شود و در این مورد می‌نویسد:

«من یکی از بندگان آستان حضرت شاهنشاه ایرانم، سخنان دولتی گویم و جواب و سؤال ملتی با علمای مذهب است، و مرا از آن مباحث چندان فایده نخواهد بود. اگر مقصود تحقیق مذهب و مباحثه در آن مطلب بود مفتی یا قاضی به این بلد مأمور می‌شد و حال آن که سال‌هاست این سخنان در میان است، و رساله‌ها و مقاله‌ها و کتاب‌ها و خطابه‌ها فی‌مابین جانشین رد و بدل شده و مقصودی حاصل نیامده...»<sup>۱</sup> رضا قلی خان با پاسخی منطقی به خان خوارزم اجازه‌ی ادامه بحث در حوزه‌ی مسائل مذهبی را نداد.

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، بخشی از مطالب *سفرنامه*، به گفت‌وگوهای سیاسی بین هدایت و خان خوارزم و دیگر صاحب‌مذهبان آن سامان اختصاص دارد. وی در طی اقامت خود در خیوه، به دقت همه‌ی مسائل را زیر نظر داشته و حتی به نحوه‌ی آداب و رسوم، معاشرت، تغذیه و آداب آن توجه کرده است.<sup>۲</sup>

در بخش دیگری از مباحث *سفرنامه*، وی براساس دستوری که از سوی امیر داشت با دقت به ثبت و ضبط آبادی‌ها و شهرهای مسیر راه پرداخته است در معرفی شهرها و مناطق به جزئیات آن سامان نیز توجه و دقت زیادی داشته است. از جمله موضوعاتی که وی در *سفرنامه* خود علاوه بر اوضاع جغرافیایی بحث کرده است، توجه ویژه به آداب و رسوم، مذهب، اوضاع اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی بوده است. هدایت در بخش آخر *سفرنامه* خود پس از ورود به ایران، جغرافیایی طبیعی و سیاسی شهرهای ایران از گرگان تا سمنان را توصیف می‌کند. چون ورود وی به تهران مصادف با عزل امیرکبیر بود، بخش پایانی را به حوادث تاریخی که موجب عزل امیرکبیر شد، اختصاص داده است. آخرین مطلبی که هدایت درباره‌ی آن گزارش می‌دهد، پایان کار خان خیوه و چگونگی سرکوبی وی توسط حاکمان خراسان است. به جهت راهزنی‌ها و آشوبی که خان خیوه در خراسان ایجاد کرده بود، ناصرالدین شاه حاکمان مزبور را مأمور سرکوبی وی می‌کند، سرانجام آن‌ها توانستند محمد امین خان را در جمادی‌الآخر ۱۲۷۱ هـ.ق به قتل رسانند.<sup>۳</sup>

همان‌طور که در مقدمه‌ی این بحث عنوان شد، *سفرنامه* رضا قلی خان یکی از نخستین *سفرنامه‌های* ایرانی است که به سفارش دستگاه حاکمه ایران به منظور شناسایی اوضاع جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی یک سرزمین نوشته شده است.

نثر *سفرنامه* ساده و روان است. با این حال مؤلف برای این که

میزان دانش خود را به نحوی آشکار نماید، برکنار از سنت تاریخ‌نگاری و ادبی آثار پیش از خود نبوده است. بنابراین از واژگان مسجع و مطمئن در اثر خود استفاده کرده است. موضوع دیگری که به نوعی به اثر ارزشمند وی لطمه وارد کرده است، استفاده بی‌مورد و زیاد از اشعار در متن *سفرنامه* است. نویسنده در بیشتر صفحات *سفرنامه* اشعاری که خود سروده است تحت عنوان (لمؤلفه) به تناسب موضوعاتی که با آن سروکار داشته آورده است در حالی که ضرورتی برای به کار بردن آن اشعار نبوده است.

*سفرنامه‌ی خوارزم* با همه‌ی نکات مثبت و ارزشمندی که دارد اما دارای اشتباهات تاریخی متعددی است که مصحح محترم در پانوشته‌های عالمانه‌ای که نگاشته سعی به رفع آن‌ها کرده است. هم‌چنین مصحح علاوه بر پانوشته‌ها و مقدمه، حواشی و یادداشت‌های ارزشمندی بر پایان *سفرنامه* افزوده است که در مجموع بر غنای این اثر اضافه کرده است.

### پی‌نوشت

۱. کلا و یخو، *سفرنامه*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۲، مقدمه.
۲. پیتر و دلاواله، *سفرنامه*، ترجمه شفاء الدین شفاء، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱، ص ۲۵.
۳. محمدکریم یوسف جمالی، *تحولات ایران در عصر صفوی*، دانشگاه آزاد نجف‌آباد، ۱۳۸۵، ص ۱۴۰-۱۳۵.
۴. رضا قلی خان هدایت، *سفارت‌نامه خوارزم* به تصحیح جمشید کیان‌فر، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۵، ص ۳۷.
۵. مخبرالسلطنه هدایت، *خاطرات و خطرات*، زوار، تهران، ۱۳۶۳، ص ۷۷.
۶. رضا قلی خان هدایت، همان ص ۳۷-۳۸.
۷. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، *روابط خارجی ایران از دوره صفویه تا جنگ جهانی دوم*، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۷، ص ۶۵.
۸. رضا قلی خان هدایت، *روضه الصفای ناصری* به تصحیح و تحشیه جمشیدکیان‌فر، اساطیر، تهران، ۱۳۸۰، ج ۱۵، ص ۸۳۲۱.
۹. علی‌اصغر شمیم، *ایران عصر قاجار*، مدبر، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۲۵.
۱۰. رضا قلی خان هدایت، *سفرنامه*، ص ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱.
۱۱. همان، بیست و دو.
۱۲. رضا قلی خان هدایت، *روضه الصفای ناصری*، همان ص ۸۵۲۶.
۱۳. رضا قلی خان هدایت، *سفرنامه*، ص ۱۶۵-۱۵۹.
۱۴. همان ص بیست و هشت.
۱۵. همان ص سی و یک.
۱۶. همان ص سی و پنج-چهل.
۱۷. همان ص بیست‌وسه.
۱۸. همان ص ۷.
۱۹. همان ص ۲۵-۲۴.
۲۰. همان ص ۶۲.
۲۱. همان ص ۷۹-۷۸.
۲۲. همان ص ۹۰-۸۸.
۲۳. همان ص ۱۶۹.

